



ویرانگر را شکل داده است. حالا بهترین فرصت برای مهدی تار تار فراهم شده تا ضمن باطل کردن برچسب‌های قدیمی، پرسپولیسی تهاجمی، پر قدرت و تماشاگر پسندار روانه میدان کند.

چشم انداز فصل جدید

بانهایی شدن این انتقال، محبی به‌زودی راهی اردوی تدارکاتی پرسپولیس در ترکیه خواهد شد تا به تمرینات گروهی اضافه شود. البته او خوب می‌داند که پوششیدن پیراهن سرخ به معنای تضمین حضور در ترکیب ثابت نیست. رقابتی سرسختی در خط حمله حضور دارند و او باید در طول تمرینات پیش فصل، آمادگی و کیفیت خود را به تار تار اثبات کند. شاید در ابتدای بازار نقل وانتقالات، ناکامی در جذب گزینیهایی چون کسری طاهری و دانیال ابری هواداران را نگران کرده بود، اما جذب محمدهمدی محبی ثابت کرد پرسپولیس همچنان یکی از پرکارترین، موفق‌ترین و هوشمندترین تیم‌های مارکت تابستانی است. حالا همه چیز آماده آغاز یک فصل داغ است؛ فصلی که در آن، بال‌های سرخ پرسپولیسی با حضور محبی و اورونوف دوباره برای پروازی بلند به سوی جام قهرمانی آماده می‌شوند.

چندبست بودن او است؛ اگر چه پست تخصصی او وینگر راست است، اما توانایی بازی در چند نقش هجومی را دارد که دست سرمربی را برای تغییر سیستم باز می‌گذارد.

مهدی تار تار و فرصتی برای تغییر

یکی از جالب‌ترین ابعاد این انتقال، هم‌زمانی حضور محبی با هدایت مهدی تار تار در پرسپولیس است. در سال‌های گذشته، همواره برچسب فوتبال دفاعی و احتیاط‌آمیز به کارنامه تار تار الصاق شده بود. اما واقعیت این است که تار تار در تیم‌های قبلی خود هرگز ابزار هجومی کافی و ستاره‌های تراز اول را برای ارائه یک فوتبال کاملاً تهاجمی در اختیار نداشت. حالا شرایط به کلی متفاوت است. پرسپولیس فصل جدید، منویی پر از ستاره‌های تکنیکی و تهاجمی را در اختیار تار تار داده است؛ وینگرهای تخصصی راست (محمدهمدی محبی، محمد عسری و مهدی تیکدری) و وینگرهای تخصصی چپ (استون اورونوف، تیوی بیفوما، امیر حسین محمودی و محمدحسین صادقی)، حضور بازیکنی مانند مهدی تیکدری که قابلیت بازی در پست وینگ‌بک و حتی مهاجم سایه را دارد، در کنار محبی و اورونوف، خط حمله‌ای

به سپاهان هم نتوانست تمام رویاهای او را بازیابی کند. در این میان، زمزمه‌های ششیدی مبنی بر تمایل باشگاه تراکتور و حتی ماندن در سپاهان به گوش می‌رسید. اما مدیریت باشگاه پرسپولیس با برنامه‌ریزی دقیق و چراغ خاموش، زودتر از رقبا وارد عمل شد، رضایت‌نامه این بازیکن را از باشگاه اماراتی گرفت و قراردادی ۳ساله را به امضا رساند.

آنالیز فنی خرید جدید

محبی یک وینگر معمولی نیست؛ قامت ۱۸۶ سانتی‌متری او برای بازیکنی که در پست وینگر راست توپ می‌زند، یک ویژگی فوق العاده و متمایز محسوب می‌شود. این برتری قامتی به او اجازه می‌دهد که در نبردهای هوایی، ارسال‌ها و ضربات سر یک تهدید جدی برای مدافعان کناری حریف باشد. اما قدرت محبی تنها به فیزیک او محدود نمی‌شود. اول از همه باید اشاره‌ای به تکنیک و دریل‌زنی او داشت. با وجود جثه بلند، محبی توانایی بالایی در موقعیت‌های یک‌به‌یک دارد و به راحتی از سد مدافع روبه‌رو عبور می‌کند. یکی دیگر از شاخصه‌های بازی محبی، شرکت فعال در کارهای دفاعی از خط اول و اعمال فشار روی مدافعان بازپساز حریف است. از همه مهم‌تر

محمدهمدی محبی و طلسمی که سرانجام شکست!

انفجار بمب در اردوگاه سرخ

آر یا طاری

بازار نقل وانتقالات تابستانی فوتبال ایران همیشه شبیه به یک درام پر تعلیق است؛ پر از شایعه، خوش‌های ناگهانی، امیدها و دلسردی‌ها. اما در میان تمام رفت‌وآمدها و گمانه‌زنی‌های داغ این فصل، سرانجام باشگاه پرسپولیس از خریدی رونمایی کرد که نه تنها هواداران را به وجد آورد، بلکه پازل تاکتیکی کادر فنی را برای فصل جدید کامل‌تر از همیشه ساخت. محمدهمدی محبی، وینگر ۲۶ساله، بلندقامت و تکنیکی فوتبال ایران که سابقه پوششیدن پیراهن تیم ملی را هم در کارنامه دارد، با عقد قراردادی ۳ساله به جمع سرخ‌پوشان پایتخت پیوست. خریدی که پس از منفی‌شدن چند گزینۀ دیگر مانند کی‌شوک مثبت در اردوگاه پرسپولیس عمل کرد و نشان داد مدیران این تیم بی‌گدار به آب نزده‌اند.

زوجی که بالاخره بازمی‌گردد

برای درک اهمیت این انتقال، باید کمی به عقب بازگشت؛ به روزهایی که پرسپولیس زیر نظر اوسمار ویرا، نمایشی هجومی، روان و چشم‌نواز را به رخ رقبا می‌کشید. در آن دوران، تمام نگاه‌ها به ستاره ازبکستانی، یعنی استون اورونوف معطوف شده بود. اورونوف در نیم فصل دوم یک تنه خطوط دفاعی حریفان را به آتش می‌کشید، گل‌های سرنوشت‌ساز می‌زد و خاطر مسازی می‌کرد. اما راز واقعی آن فرم فوق العاده چه بود؟ پاسخ در سمت مقابل زمین نهفته بود؛ مهدی تریبی. در آن روزها، وجود یک وینگر شش انگشت، با کیفیت و بازپساز در سمت راست باعث شده بود بار حملات پرسپولیس به‌طور متوازن بین دو جناح تقسیم شود. مدافعان حریف نمی‌توانستند تمام تمرکز خود را روی مهار اورونوف بگذارند، چرا که تریبی در سمت راست هر لحظه آماده مجازات آن‌ها بود. اما با جدایی تریبی، در دو فصل اخیر سنگینی بار هجومی سرخ‌ها کاملاً روی دوش اورونوف افتاد. نتیجه؟ پارگی‌ری‌های فشرده، مراقبت‌های دوچندان مدافعان حریف، فشارهای جسمانی و در نهایت مصدومیت‌های پیاپی برای ستاره ازبک. پرسپولیس در دو فصل

داستان رسیدن محبی، به پرسپولیس، یک مسیر مستقیم و ساده نبود. این وینگر ۲۶ساله پس از درخشش در تیم‌هایی چون پیکان و مس رفسنجان، راهی سپاهان اصفهان شد. در جمع طلایی‌پوشان، او قدرتش را به رخ کشید و حتی توانست پیراهن تیم ملی را بر تن کند. اما طلوع این ستاره، با یک تصمیم ناگهانی تغییر مسیر داد



چهره به چهره

بایان زود هنگام پرواز بوشهری در آسمان شایعات

موقعیت مهدی

بازار نقل وانتقالات فوتبال، همیشه بی‌رحم‌تر و در عین حال رویایی‌تر از مستطیل سبز است. گاهی یک شایعه چنان بال و پر می‌گیرد که منطق اعداد و رقم‌ها در سایه اشتیاق هواداران گم می‌شود. در چند روز گذشته، نام مهدی طارمی در مرکز یکی از همین طوفان‌های رسانه‌ای قرار گرفت؛ طوفانی که یک سران به فضای مجازی و صفحات هواداری پرسپولیس می‌رسید و سر دیگرش در سواحل ریو دو ژانیرو و استادیوم تاریخی واسکو دو گاما پهلوی می‌گرفت. اما حالا، با فروکش کردن این گرد و خاک رسانه‌ای، واقعیت عریان مارکت فوتبال خود را نشان داده است؛ نه خبری از بازگشت به پرسپولیس است و نه رقص سامبا در برزیل.

بازگشتی که منطق نداشت

برای هواداران پرسپولیس، شنیدن نام مهدی طارمی همیشه یادآور روزهای درخشان است. ثبت ۴۲ گل در ۸۷بازی، ۲۰عنوان آقای گلی و خاطراتی که با پیراهن سرخ در ذهن‌ها حک شده، کافی بود تا شایعه بازگشت او به لیگ برتر، موجی از هیجان را در فضای مجازی به راه بیندازد. اما در دنیای حرفه‌ای، نوساناتی نمی‌تواند جایگزین این ژانم‌های مالی و جاه‌طلبی‌های ورزشی شود. علی‌باز، گشایشخونی باشگاه پرسپولیس، بایک‌موضع‌گیری رسمی و قاطع، پرونده این شایعه را برای همیشه بست. او صراحتاً اعلام کرد که باشگاه

اتفاق روز

آیا سلسائو دیگر جایی برای پادشاه بدون تاج داشت؟

رقص ناتمام

نگار رشیدی

ورزشگاه ویلاامپریو، همان خاستگاه جادویی که سال‌ها پیش پسر بچه‌ای لاغر اندام با موهای عجیب و غریب و تکنیکی ویرانگر را به دنیای فوتبال معرفی کرد، حالا شاهد آخرین پرده از یک نمایش طولانی و پرفراز و نشیب بود. در منطقه میکسدزون، پس از پیروزی ۴بر ۲ سانتوس مقابل اونیورسیداد سنترال در جام سوداماریکانا، نیمار جونیور رو به خبرنگاران ایستاد و جمله‌ای را به زبان آورد که برای سال‌ها تایتلر یک رسانه‌های ورزشی جهان خواهد ماند: «دوران من در تیم ملی دیگر به پایان رسیده است. دیگر نمی‌خواهم ادامه دهم.» این کلمات، پایدی بود؛ یک دهه و نیم حضور پررنگ، در خشان والبنته جنجالی شماره ۱۰ در ترکیب تیم ملی برزیل. بازیکنی که با ۸۰گل زده در ۱۳۰بازی ملی، از رکورد افسانه‌ای به عبور کرد، اما هرگز نتوانست جام طلایی جهان را بالای سر ببرد. اما در پس این خداحافظی دراماتیک، یک سوال بی‌رحمانه و کاملاً منطقی در ذهن‌هالی فوتبال و تحلیل‌گران شکل می‌گیرد؛ اگر نیمار خودش خداحافظی نمی‌کرد، آیا صلا دیگربا جایی در تفکرات تاکتیکی سلسائو داشت؟



دومینوی مخالفت‌ها

اگر اینفانتینو تصور می‌کرد این طرح با یک رای‌گیری بی‌در دسر در کنگره فیفا به تصویب می‌رسد، احتمالاً قدرت اینکه فدراسیون فوتبال را دست‌کم گرفته بود. یوفا، قلعه مستحکم فوتبال اروپا، اولین نهادهای بود که شمشیر را از رو بست. الکساندر چفرین، رئیس یوفا که رابطه‌اش با اینفانتینو مدت‌هاست به سردی گردیده، با ادبیاتی تند به میدان آمد. بیانیۀ یوفا صریح بود؛ روح و ساختار مدیریتی فوتبال، دارای قابل معامله نیست و اینکه فوتبال چیزی نیست که فیفا بتواند آن را بفروشد. اما ضربه دوم، شاید غیرمنتظره‌تر بود. کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC)، که معمولاً در منازعات جهانی محتاط‌تر عمل می‌کند، با انتشار بیانیۀ‌ای به صف منتقدان پیوست. پیام AFC هم روشن بود؛ چرا با ما مشورت نشد؟ آن‌ها خواستار شفافیت، زمان بیشتر و بررسی همه‌جانبه این واگذاری تاریخی شدند. پیش از آن نیز کونکاکاف (آمریکای شمالی و مرکزی) ناراضیانی خود را ابراز کرده بود.

سایه سنگین سیاست

در لایه‌ای این هیاهو، نام‌های آشنایی به چشم می‌خورند که داستان را جذاب‌تر (و شاید برای عده‌ای ترسناک‌تر) می‌کنند. ورود احتمالی شرکت سرمایه‌گذاری Thrive Capital به عنوان خریدار اصلی، نگاه‌ها را به سمت خانواده کوشر و به تبع آن، دونالد ترامپ می‌کشاند. اندی برنهام، از چهره‌های سیاسی بریتانیا، با جملاتی که بوی سکوها‌های استادیوم‌های انگلیس را می‌داد، به این ماجرا واکنش نشان داد: «جام جهانی یک محصول تجاری نیست. وقتی بخشی از آن می‌فروشد، در واقع فوتبال را فروخته‌اید.»

دموکراسی یا دیکتاتوری پنهان؟

در سوی دیگر میدان، جهانی اینفانتینو ایستاده است؛ مردی که معتقد است در حال نجات فوتبال از چنگال انحصار است. او در دفاع از طرح خود، به زبان آمار و ارقام سخن می‌گوید. افزایش کمک‌های مالی سالانه به فدراسیون جهان از ۲۰۰۰میلیون دلار در بازه ۲۰۲۷ تا ۲۰۳۰، وعده‌ای است که او به اعضای فیفا می‌دهد. استدلال اینفانتینو این است که فوتبال باید مانند یک کسبوکار تخصصی اداره شود؛ تارازش افزوده آن به صورت عادلانه‌تر در سراسر جهان توزیع گردد. او می‌خواهد فدراسیون‌های کوچک‌تر را از وابستگی به قدرت‌های سنتی فوتبال رها کند. در نگاه اول، این طرح به فروش فوتبال، که دموکراتیک‌تر کردن آن است.

تحریم جام جهانی؟

اکنون، شمشیر داموکلس بالای سر فیفا قرار گرفته است. شایعاتی مبنی بر جلسات اضطراری یوفا برای بررسی تحریم جام جهانی به گوش می‌رسد. این یک بلوف رسانه‌ای است یا یک تهدید واقعی؟ واقعیت این است که جام جهانی بدون حضور غول‌های اروپایی (آلمان، اسپانیا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا)، بخش عمده‌ای از جذابیت فنی، ارزش تجاری و حق پخش تلویزیونی خود را از دست خواهد داد. از سوی دیگر، اینفانتینو برای تصویب طرح خود در کنگره‌ی فیفا، تنها به نصف به علاوه یک رای از ۲۱۱فدراسیون عضو نیاز دارد؛ آری که با وعده چک‌های ۴۰میلیون دلاری، چندان دروازه دسترس به نظر نمی‌رسند.

سوت پایان این بازی را چه کسی می‌زند؟

روزهای آینده برای آینده‌ی پر طرفدارترین ورزش جهان حیاتی است. آیا اینفانتینو موفق می‌شود بزرگ‌ترین نهاد ورزشی جهان را وارد یک عصر جدید سرمایه‌داری کند و خود را در قامت یک کمیسر با دار آموهای نجومی ببیند؟ یا مقاومت مملو اروپا، آسیا و آمریکا شمالی، او را وارد به عقب‌نشینی خواهد کرد؟ فوتبال، ورزشی که روزگاری در کوچه‌پس‌کوچه‌های خاکی و با توپ‌های پلاستیکی آغاز شد، حالا در سالن‌های مجلل زوربچو وال استریت، با میلیاردها دلار معامله می‌شود. باید دید در این بازی شطرنج، پادشاه مستطیل سبز به کدام سو کیش و مات خواهد شد.